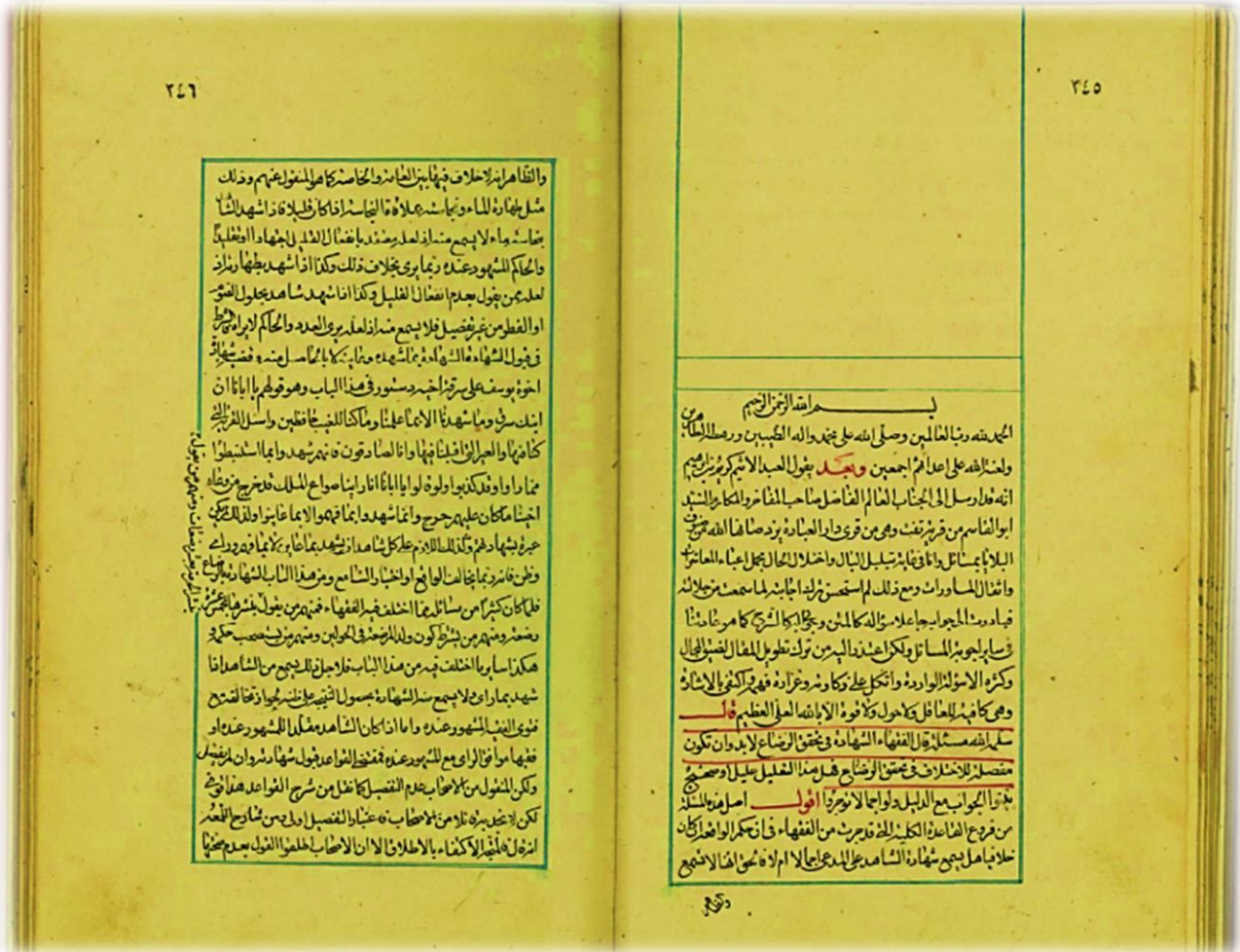


معرفی « رساله فی جواب السید ابی القاسم [تفتی] »  
 (از مجموعه رسالات « حاج محمد کریم خان کرمانی » از بزرگان سلسله شیخیه)

\*\*\*

هادی دهقانان نصرآبادی

(کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی - یزد)



۱- مشخصات کلی نسخه:

نام: رسائل مرحوم حاج محمد کریم خان [کرمانی]

شامل: خطابه، مقدمه عربی، متن (شامل ۷ رساله عربی، در پاسخ به سوالات و ذکر دلایل) + فهرست آثار

موسسه: کتابخانه مجلس شورای ملی      اندازه صفحات: ۳۳\*۲۵      تعداد صفحات: ۲۰ صفحه (دو رو)

تاریخ نگارش شیخ: ... فی عصر یوم الثلثاء ثالث عشر شهر شوال (۱۲۶۱ق)

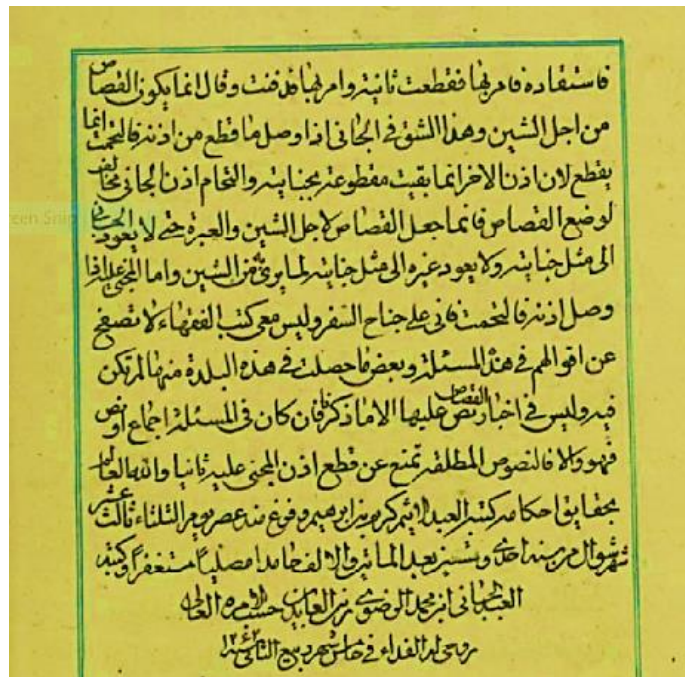
تاریخ کتابت: کمرنگ (...ربیع الثانی ۱۲۶۲ق) توسط زین العابدین / فاصله نگارش و کتابت: هفت ماه

از جمله رسالاتی که از قلم حاج محمد کریم خان قاجار- از شیوخ بزرگ و جامع الفنون شیخیه- تراویده است، رساله ای است فقهی به زبان عربی، موسوم به «رساله جواب سید ابوالقاسم تفتی» (رساله فی جواب السید ابی القاسم [تفتی])، که تابحال مورد توجه قرار نگرفته بود. این رساله از جهت طرز نگاه محمد کریم خان به فقه و احکام اسلامی، و ردّ و قبول نظر علما بسیار باارزش است.



(صفحه آغاز رساله- شامل سوال سید ابوالقاسم تفتی و پاسخ شیخ)

محمد کریم خان در آغاز رساله فرد مورد خطابش را این گونه معرفی کرده است: «...الجناب العالم الفاضل، صاحب المفاخر و المکارم السید ابوالقاسم من قریه تفت، و هی من قری دارالعباده یزد». از القابی که حاج محمد کریم خان برای این فرد قائل شده است می توان فهمید، که این فرد علاوه بر دانش وافر، مورد اعتماد شیخ مکتب شیخیه و فردی مجتهد و صاحب نفوذ بوده است، و حائز مفاخر و مکارم اخلاقی. متأسفانه از این فرد و کم و کیف زندگانی او اطلاعی در دست نیست.



(صفحه پایانی رساله - شامل تاریخ نگارش پاسخ و کتابت)

اما موضوع کلی این رساله، در مورد پاسخ های حاج محمد کریم خان قاجار به مجموعه سوالات سید ابوالقاسم تفتی در ابواب مختلف فقه، حدیث، تفسیر، تاریخ اسلام و... است، که با سوال اول در مورد «شروط تحقق رضاع» شروع شده، و به سوالی در مورد حدیث امام رضا (ع) و... به پایان می رسد. این رساله که شامل ۲۰ صفحه (= ۱۰ صفحه دورو) می باشد، با خط نسخ بسیار چشم نواز کتابت شده است. شیخ محمد کریم خان قاجار در این رساله همانند رسالات دیگرش در کمال تواضع، به سوالات سید ابوالقاسم تفتی پاسخ داده، و با نشان دادن گوشه ای از دانش عظیمش، خواسته است که او را اقناع کند.



(بریده از دعا موجود در رساله - در توسل به پیامبر)

### ۳- پیشینه پژوهش:

از جمله آثار و رسالات محمد کریم خان که مورد نقد و بررسی قرار گرفته است، یا آثاری که در مورد او به چاپ رسیده است، می توان به: مقاله «حمام اسلامی- گزارشی از رساله «دلایه» حاج محمد کریمخان شیخی کرمانی» نوشته دکتر رسول جعفریان (۱۳۹۸)، رساله شرح احوال شیخ اجل اوحد مرحوم شیخ احمد احسائی انار الله برهانه (بی تا- چاپخانه سعادت)، مقاله «گفت وگوهای رئیس شیخیه با شاهزادگان و علمای تهران در سال ۱۲۷۵ ق» از رسول جعفریان (۱۳۹۵)، «دقائق العلاج» (۱۳۶۲)، کتاب «پنج رساله سیاسی از دوره قاجاریه (جهادیه محمد کریم خان کرمانی) (هدایه المجاهدین محمد تقی بروجردی) (جهادیه ناصریه در جنگ ایران و انگلیس حاجی میرزا عسکری)» از داریوش رحمانیان و زهرا حاتمی (۱۳۹۶)، مقاله «اختلاف های شیخیه کرمان با دیگر فرقه های شیخیه و انشعابات آن پس از درگذشت موسس این فرقه حاج محمد کریم خان کرمانی در دوره قاجار» از محمد خداوردی تاج آبادی (۱۳۹۲)، کتاب «ترجمه و شرح کبیر بر جوامع العلاج- ۳ جلدی» ترجمه محمد مهران فر (۱۳۹۶)، ترجمه رجوم الشیاطین (۱۲۶۸)، کتاب «شرح و ترجمه حقایق الطب» ترجمه محمد مهران فر (۱۳۹۶)، کتاب «دقائق العلاج- دو جلدی» ترجمه عیسی ضیاء ابراهیمی (۱۳۹۵)، کتاب «رساله در متعلقات صنعت دلاکی» (۱۳۹۵)، موعظه در عقاید شیخیه (بی تا) و... اشاره کرد.

### ۴- شرح احوال:

در این بخش لازم بود تا با صاحب رساله مورد نظر آشنایی حاصل شود: حاج محمد کریم خان بن ابراهیم ظهیرالدوله بن مهدی قلی خان بن محمد حسن خان بن فتحعلی شاه قاجار، از جمله شاگردان سید کاظم رشتی است. وی در سال ۱۲۲۵ هجری قمری در کرمان متولد شد. پدر وی، عموزاده و هم چنین داماد فتح علی شاه قاجار و حکمران کرمان و بلوچستان بود. وی در کودکی تحصیل فارسی و عربی را در کرمان به اتمام رسانده و با شنیدن آوازه سید کاظم رشتی عازم کربلا گردید. او تمام ثروت خود را تقدیم سید کاظم کرد ولی وی تنها خمس آن را قبول کرد. حاج محمد کریم خان پس از تکمیل درس، از طرف سید، به کرمان برگشته و در میان شیخی ها از احترام ویژه ای برخوردار شد. پس از مرگ سید کاظم، شیخیان به سه دسته تقسیم شدند: پیروان میرزا شفیع در تبریز که شیخیان آذربایجان بودند؛ بابی ها که پیروان علی محمد باب شدند؛ و شیخیان کرمان که تابع حاج محمد کریم خان گردیدند. محمد کریم خان که از مخالفان سرسخت بایه بود، در سال ۱۲۸۸ هجری قمری در کرمان درگذشت. پس از وی فرزندش حاج محمد خان جانشین او شد ولی برخی پیروان پدر، ضمن مخالفت با موروثی شدن شیخیه، پیرامون فردی به نام حاج محمد باقر معروف به همدانی جمع شده و همراه او به همدان رفته و «شیخیه حاجی محمد باقر» را شکل دادند. پس از حاج محمدخان به برادرش حاج زین العابدین کرمانی (۱۲۷۶-۱۳۶۰ هـ ق) و پس از او فرزندش حاج میرزا عبدالرضا پیشوایی شیخیه را عهده دار شدند. پیشوای شیخیه - به تعبیر خودشان - دارای مقام «ناطق واحد» یا «شیعه کامل» است. (خمینی، ۱۳۸۹: ج ۱، ص ۱۰۵، ذیل «میرزا ابوالقاسم کرمانی») (ریحانۀ الادب، ج ۳، ص ۳۶۰)

### ۵- منابع و مآخذ:

خمینی، سید حسن (۱۳۸۹): فرهنگ جامع فرق اسلامی (ج ۱)، نشر اطلاعات، چاپ اول، تهران.

مدرّس تبریزی، محمد علی (۱۳۹۲): ریحانه الادب فی تراجم المعروفین... (ج ۳)، نشر کتابخانه آیت الله مرعشی، چاپ اول، قم.

وما الاشارة الى الشك وهكذا من سائر المسائل الموضوعية وكان لا بد  
عليهم التسليم بحجبتهم عما يريدون تركه كما يعلمون بذلك فانهم لم يلقوا  
بالجواب حتى يتبينوا انما يراد بالرسالة انما هي الماخوذة عليهم فيقولون  
لهم او كما هو بغيره في غيرهم ان حقيقة هذه المسئلة لا يعلم الا بتواضع  
يحيي فيمنع من الاوصياء بها فاذا اجابهم اذ عنوا لهم بالوصاية او جعل  
اياهم من القران وصعب عليهم فهمه فمتفقوا بل لعلمهم بغيرها حال القران  
وعلم النبي من غيره وهكذا فنزلت المسائل هذه المستلزان سأل  
ما الكفر وما الايمان ومقصوده الاشارة الى قوله تعالى ومن يعبد  
ويؤمن بالله واسأل عظماءها او ناولها او باطنها كما استخرج  
بعد ذلك واما قوله وما الكفران اراد الكفر بالله والكفر بالطاغوت  
او ناولها او باطنها كما ياتي في الجوارح انما قوله والشيطان اللذان  
كلهما مرجوان اراد النفس المشار اليها بقول ان النفس اقران الله  
والشيطان المغيب المشار اليه بقوله ومن يشرك عني كمال البر في شيطان  
فهو له قريب وهو الواسط بين الجهل الكلي والنفس الاستعدادية  
وكلاهما مرجوان برحاطة شيطان النفس لشبهه الشيطان كما يرى في  
صلى الله والهائه في كل نفس شيطان فضيل اذ انما يراد الله تعالى  
نعم ولكن اسلم في قوله تعالى انما الله عليه تعالى اراد ناولها او باطنها  
قوله وقد خلق كلام الترتيب فلهذا سئل عن الرجل على القران خلق  
الانسان على الانسان يعني ان الله سبحانه كتابه المنزل على نبيكم على  
بين ذلك في هذه الاية واستخرج ما سئلتك عن هذه الاية واما قوله  
الراوي في ما سمع الرضا عليه السلام كلامه في جواب ما سئلتك باصباح الارض  
فالوجه في ذلك ان الرضا عليه السلام سئل عن رجل سأل عن رجل سئل  
ودفع الرضا عليه السلام عن الرجل سئل عن رجل سئل عن رجل سئل

هذا على السيرة وكان العالم بالجواب لا يشعروا على الختم لو يوفيه نفسه انه  
مؤمن اراد الجواب اجاب فلا يقطع على الخصم كلامه مع ان عليه السلام  
في نفسه سؤالات وقبلة اخرى باجابه من والاول وعرفنا انما هو  
علمه لا يشعروا في سؤالاته ولعله يروى ما خطر ما لم يخطر في سؤالاته  
سؤالاته بالاشغاف حتى لا يفتي فيها في نفسه واما قوله اراد  
فلما راعى اسر الخرافة وسكونه على غيره وشجعته في سؤاله اراد  
اليهود وسكونه لوضعا على غيره على السكون على غيره على الجواب وشجعه  
السكون وحله في سؤاله الخ في قوله واما قوله بارزتمو المسلمين  
ما الواحد المشرك فهو ليدل على المسلمين كتابا في بطلان المشرك  
حيث هو رئيسه وفرد نعم بغيره وعجز الجواب واما قوله الواحد  
المشرك اراد الانسان فان نفسه واحد ولكن له اجزاء كثيرة من اللحم  
والعظم والنج والصب والفضة ولا غشبه ولا اعضا ان يتكلم  
والخارج والاولى وعجزها اراد ان ناولها او باطنها واما قوله  
والمشرك المشرك فهو عكس ذلك يعني الانسان مع ان واحد يصدر عنه  
افعال متميزة متضادة كمنظف الغي لمن وجودها هي في نفسه  
واحد اراد ان ناولها او باطنها واما قوله والمشرك المشرك هو  
والثاني الكفر عاره الصريح والمراد بالانسان ايضا ان يروى  
مخلوق خلقه الله من شيء وهو موجود خلقا ثابته وافعاله واعماله  
واقواله اراد ان ناولها او باطنها واما قوله والجوارح المعنى وهو ايضا الانسان  
الجاري من شيطان المعنى على حساب اذ الله ورضاه ورضا غيره  
ويحتمل اذ ناولها او باطنها واما قوله والناس في الزيادة ايضا الانسان  
فانه في نفسه انما يذهب باطنه من زبانه بالمدد الذي ياتي باله في  
دائما في زيادة نقصان ويحتمل اذ ناولها او باطنها وبالجملة قوله

گوشه از سوالات سيد ابوالقاسم تفتي، و جواب شيخ محمد كريم

هذا على نحو الاغراض والمعاني واداء الامتحان وكل سؤاله عن الانسان  
ونظره اذ يدبر الانسان فالكفر والاي ان نطقه النور ونطقه الظلمة  
الانسان في قلب الانسان ايضا العقل والنفس الكفران النفس الامارة  
والشيطان المغيب والنفس الوترية والجهل الملائكة والكفر بالله والكفر  
بالشيطان وظهوره في جواب الامام عليه السلام عن مراده هذا  
الشر والشيطان النفس والشيطان المغيب والي على ما ذكرنا  
ممكن احد من كلا الاشارة الى الجوارح لان الانسان ومعناه فيه  
واما حديث الرضا عليه السلام في الجواب الحديث بان اسير في  
قول ومن يقول ومن يقول سألنا عن رجل سئل ما استخرج  
سؤالا لانها اجابوا على القول لا نعلم لكن لم يخرج جميع جواب جميع  
مسألة على كل من كايان يعرف ان كان يعلم اوله واخره واما اذا صح  
باخره عن جميع مسائله وملك الجواب الاشارة اكثر من السؤال والاشهاد  
ذهنته وجعله سندا لهم في الجواب فقال يا زهير فاراد في الظاهر  
عليه السلام انما الاستخفاف به باذنه ما قال يا زهير المسلمين طغيا في الدنيا  
يعني انك ليس لك اسم ولا نسب ولا حصة تعرف ندعى بالانك  
انزلت واما اراد انك نزلت في نزلت في نزلت في نزلت في نزلت في نزلت  
انما وجدنا اياه ما علم انما نزلت انهم مقتدون وقد قال في العرب  
فلان انما سئل في الاخرة في الاحوال والحاصل ان الذي نزلت  
نزلت في نزلت في نزلت في نزلت في نزلت في نزلت في نزلت في نزلت  
وخاصة عليه كما قال تعالى انما نزلت على ان تشرك في ما ليس لك  
على فلا تطعمها يعني بران هذا التسويل انما سئل انك تشرك في ما ليس لك  
والاشارة الى انك على من اسئل انك تشرك في ما ليس لك  
فانزلت على حشره او اذ اياه الذي امر بالانسان اليه الذي انزلت

اليه ونصرتك الاشد والاياء والاول الذين احسانا اما بلغناك  
عندنا الكبير احدهما وكلاهما فلا تقل لها ان ولا تشعروا ما قلنا في  
كثيرا واخصص لهما جناح الذن من الرحمه وقل رب ارحمهما كما ربي  
وهما المشار اليه في قوله صلوات الله عليه والانا على اي هذه  
الامر يكون قوله عليه السلام بان اسير اخباره بجملة يكون من  
اولاد النبي صلى الله عليه والاراد اذ اياه في العلم وكفى عن معلمه يابيه  
فاشار بذلك تابع لربه ذنبا وما اختار هو هذا للمهاجرين  
انت على غير بصيرة منك واهتداه ولم يقبل بان فلان الهانما غلبه  
لاجل عدم الاعتناء وانما غير معرف بين الضلال لا يفتي براد انك  
لم تؤمن في ذنبتك الى انك وثبت يعتقد به وانما اخذت من اموال ابيك  
فان في هذه المسئلة انما سئل انما اراد انك بعد من المرجوع اليه  
لان الشيء لم يقع لم يرضع في المخرج في البداية وانما لان انما  
عليك انما انما سئل عليه والاراد في الغيب في الغيب في الغيب  
اسم ابيك في سفير ان كان يعلم هو على السيرة بالامر وقال انما  
في هذه الكفر جوابه ولا نزلت بها حيث قال بين ابه فثبت له ذلك ابا  
وانما لان الامين غير له بولده يوم الوجود في الشاوية والماهية  
وهو ولد هما والوجود نور وخبر كمال واثمان والمماهية نظير وشرف  
وكفر في هذا الجوارح الكفر والايان المسؤلان وملك ان محمد بن  
في بطن المماهية في الاشارة اليه بغيره واثمان السفي عن ذكره  
وانما الكفر ان كفر الوجود بالمماهية وكفر المماهية بالوجود لان كل واحد  
منهما على ضد الاخر وخلاف صاحبه انما الشيطان اللذان كلاهما  
فهما ايضا الوجود من نفس لا يثبت للمماهية والماهية  
الذي ان الرضا عليه السلام في هذا الحديث بعينه حيث بين الكفر في قول

توضیح محمد کریم خان در پاسخ به سؤالی در مورد حدیث امام رضا